

نماد‌دهی فرش ایران

از زبان پریسا بیضایی، کارشناس موزه فرش

دینا چراغ وند dina.cheraghvand@iranamag.com

هنر نمایشی از تغییر دائم است و در طول تاریخ همواره تغییرات کمی و کیفی فراوانی به خود دیده است. در این میان هنر شرقی همیشه به رمز و راز بسیار که برگرفته از روحیه و نگاه خالقانش است، شهره بوده و از شاخص‌ترین این هنرها، هنر کاربردی قالی‌بافی و به‌ویژه قالی‌بافی ایرانیان است. آنچه این هنر را از نسلی به نسل دیگر تا به امروز زنده نگه داشته، ذوق و قریحه ایرانی‌ها در خلق آثار بدیع است. خالق ایرانی با آفرینش و دخل و تصرف در نقوش مختلف، در نهایت طرحی را ارائه می‌دهد که دلپسند است و زیبا. این نقوش و نمادها ارتباطی تنگاتنگ با طبیعت، فرهنگ محلی‌ها، آداب و رسوم، اسطوره‌ها و عرفان در معنویت مردم ایران دارند. این پیوند در فرش‌های ذهنی باف ایلات و عشایر ملموس‌تر است و هرچه به سمت قالی‌های روستایی و شهری می‌رویم بیشتر خود را در متن فرش پنهان می‌کند.

اما عوامل دیگری که علاوه بر دلایل فوق، نقوش فرش را پیوسته دستخوش تغییر می‌کند، مهارت و جسارت بافنده ذهنی‌باف و طرح نقشه‌ساز است که پیوسته به تلخیص به حذف و اضافه و تکامل نقوش وامی‌دارد و دیگری، تأثیر هنر و در دوره‌های اخیر تأثیر هنرهای جوامع بیگانه و سفارش دهندگان بازار است که طرح و نقش را به سمت سلیقه مخاطب می‌کشاند.

روشن است که آگاهی به القای سمبلیسم قالی‌بافی و شناخت این نقوش موجب درک بهتر رمز و زیبایی‌های این نقش و نگاره‌ها و لمس احساس و اندیشه خالقانش خواهد شد، اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که برداشت و درک امروز ما از آن‌ها شاید فاصله بسیاری با عمق افکار و دلایل مردم مناطق مختلف در زمان‌های گوناگون داشته باشد. این نقوش گاه به دلایل کاربرد مداوم بیش از تمثیل به تزئین می‌گرایند. برای نمونه، چه‌بسا خوشه گندمی که پیوسته به مظهر باروری خاک تعبیر می‌شود، در ذهن زن روستایی حتی شباهتی هم با آن نداشته باشد و جالب این‌که همین تاخودآگاهی، این قالی‌بافی را از صنعت دور و به هنر نزدیک‌تر می‌سازد.

در ادامه نگاهی داریم به برخی نقوش کهن خصوصاً در قالی‌های عشایری که نمادها در آن‌ها نزدیکی



بیشتری به اصل خود دارند، به جرأت می‌توان گفت طرح‌های بسیاری از قالی‌های ایلات و روستاهای ایران از سپیده‌دم تاریخ سابقه‌ای باستانی دارند. ویژگی هندسی بودن این نقوش و در عین حال، فقدان قرینه‌سازی و ذهنی‌باف بودن آن‌ها از تکراری بودن آن‌ها در ذهن جلوگیری می‌کند. در اغلب این طرح‌ها همه‌چیز بر محور آزادی، بی‌پروایی و تکاپوی جسارت‌آمیز خیال می‌چرخد که در عین حال به بی‌بند و باری و آشفتگی هم نمی‌رسد.

سواستیکا: نشانه آریایی معروف به "سواستیکا" یکی از دیرین‌ترین و سالم‌ترین نقش‌مایه‌های باستانی است که اثر آن در یک سیر چند هزارساله در بیشتر تمدن‌های کهن از ایران، چین، هند و ژاپن تا اروپای عصر مفرغ و سرخ‌پوستان آمریکای نخستین برجای مانده است. این نشانه شگرف اسرار تمدن بشری در چین، علامت شادکامی و خوشبختی در ایران و هند و نزد اقوام آریایی مظهر و نشانه نمادین خورشید بوده است و به حکم همین مفهوم فرهنگی-تاریخی است که آن را "خورشید آریایی" نامیده‌ایم. این نقش تا پیش از هخامنشیان، بازوان خمیده و منحنی و هیأت تقریباً مدور داشت و بعدها خطوط و اضلاع آن هندسی و مستقیم و زاویه‌ها قائمه شده است. فرش‌بافان فارس نقش‌مایه‌های بسیاری به کار می‌برند که آن‌ها را باید مشتقات و صورت‌های تکامل‌یافته خورشید آریایی دانست.

سواستیکای آریایی در هنر اسلامی حلقه زنجیره‌ای شده که از هر سو قابلیت امتداد تا بی‌نهایت را دارد، چراکه هدف طراحی اسلامی وحدت است و ابدیت. همبستگی یک‌یک نگاره‌ها و گسترش آن‌ها تا بی‌نهایت، به طوری که نگرنده نقش اسلامی، خود را "جزئی" از "کل" می‌بیند و احساس می‌کند که تمامی هستی در حرکت مداوم و ابدی است.



برخی نگاره‌های ترکمن:

۱. **نگاره گل تکه:** دراصل به معنای بز کوهی است و نشانگر سرسختی و شجاعت افرادی است که در کوه‌ها زندگی می‌کنند. گل تکه به شکل هشت‌گوشی است که تبدیل به بیضی شده و شعاع‌هایی از مرکز گل به اطراف کشیده شده است.
۲. **نگاره الماس:** الماس که نماد مذهب است در شرق، همراه با اشعه‌هایی که از درون آن خارج شده، بافته می‌شود.
۳. **نگاره قیچاق:** قیچاق به معنای قوچ است و دارای دو شکل هندسی است. یکی تمام اندام قوچ و دیگری فقط شاخ‌های پیچیده آن را نشان می‌دهد. این آرایه‌ها که به صورت ترکیبی یا مستقل با رنگ‌های مختلف در فرش ترکمن بافته می‌شود، نزد آن‌ها بسیار بااهمیت است و نشانه بومی آن‌ها محسوب می‌شود.



نگاره‌های پرندگان: در ایران، گونه‌های بسیاری از پرندگان زندگی می‌کنند که تعدادی از آن‌ها در نقوش فرش جان دوباره می‌گیرند. اهمیت نمادین جایگاه پرندگان را علاوه بر متن فرش به وضوح بر اوراق ادبیات ایران از دیرباز تاکنون می‌بینیم. تطبیق مرتبت جان انسان‌ها بر نقوش پرندگان، جان‌های محبوس به جسم یا جان‌های رها

شده و آسمانی، پرندگان کوچک رنگین یا پرندگان روشن و در اوج. در این میان، نقش سیمرغ، پرنده‌ای رازآمیز که گاه نماد وصل است و گاه جایگاه ویژه‌ای دارد. سیمرغ در نقش فرش‌های ایران، به شکل‌های گوناگون به کار رفته است. به طور کلی نقش پرندگان، خصوصاً پرندگان محلی در میان ایلات و عشایر از تنوع بسیاری برخوردار است. این نقوش گاه به صورت ترکیب با نقوش دیگرند، به عنوان نمونه نقش مرغ و قوچ اهمیت خاصی در تمدن کشاورزی و شبنانی داشته و پرند نیز در این‌جا مظهر ابر و پیک باران بوده است.

نقش مرغ و درخت: نگاره‌ای که دو مرغ روبروی هم و در دو سوی یک درخت ایستاده‌اند. آن‌چه مسلم است درخت همان درخت زندگی یا درخت مقدس ساسانی است که در بیشتر نقش‌های بازمانده آن دوران و دوران‌های پس از آن، مرغ‌ها به شیوه روبروی هم و در پارهای موارد پشت به پشت هم قرار گرفته‌اند. در فرش‌های فارس مرغ‌ها بیشتر رو در روی هم هستند و در پارهای از نقش‌های ساسانی مرغ‌ها یا جانوران دیگر در دو سوی آتشدان جای دارند و درختی در میان نیست و جالب‌تر آن‌که بافندگان عرب فارس و بوانات، نقش میان دو مرغ را به شکلی درآورده‌اند که هم به درخت مانند است و هم به آتشدان. نکته دیگر این‌که این نقش‌مایه‌ها تنها در فرش‌های مناطقی که تمدن ایران باستان در آن‌جا ریشه و نفوذ داشته دیده شده است.



درخت بولوردی: دهکده بولوردی در دامنه کوهسار شمال باختری شهر شیراز واقع است و ساکنان آن از ایلات خسه به حساب می‌آیند که در زمان مغولان از ترکمنستان به فارس آمده‌اند. قالیچه‌های بولوردی سرشار از نقوش و نگاره‌های پررمز و استعاره و تمثیل‌اند و در کم‌نقش‌ترین آن‌ها نقوشی بیش از نقوش قالیچه‌های ترکمن و بلوچ وجود دارد.

نقش درخت بولوردی از جمله نقوش انحصاری این منطقه است که تنها در سال‌های اخیر در جاهای دیگر هم از آن تقلید شده است. نوآوری هنرمندان این قالی‌ها در کار تنوع دادن به درخت بولوردی است که دست‌کم بیش از ۱۲۰ سال در همه زمینه این قالی‌ها به چشم می‌خورد و به کمال رسیده است. این درخت چون پیکره‌ای جاندار



خطوط نرم را در عین استواری توأمان دارد و نشانه خاص طرح بولوردی است. نشانه‌ای که بیانگر بالیدگی و باروری و سایه‌گستر توأم با صلابت و ایستادگی است. در نهایت باید گفت که سمبلیسم در قالی هم هست و هم نیست. نقش و نگارها همیشه معنای خاص و نهفته‌ای ندارند و گاه تنها در جهت خلق یک تصویر هم‌آهنگ و چشم‌نواز از آن‌ها استفاده می‌شود. نقوش با ویژگی بی‌حدومرز خود، همچون زبانی همه‌فهم، هر بار به‌گونه‌ای با مردم اعصار مختلف ارتباط برقرار می‌کنند، آن‌ها چون یک کالای ارزشمند فرهنگی، در تبادل ارزش‌های هنری و میراث هر تمدنی مؤثرند. دوباره‌سازی و بازآفرینی این نقوش در تلفیق، آگاهی و ناآگاهی با بهره‌گیری مدام از این میراث گذشتگان ذات و جوهر بقای آن‌هاست.

توضیح: نگاره‌های ذکر شده در متن، نام خاصی نزد بافندگان ندارند و صرفاً جهت سهولت تفهیم نام‌گذاری شده‌اند.